

واکاوی عوامل مؤثر بر رفتارهای پرخطر و بزهکارانه در میان نوجوانان با رویکرد حقوقی

فاطمه خوش بختی^۱ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، گروه الهیات، دانشکده الهیات، دانشگاه
آزاد اسلامی واحد تهران، تهران، ایران.

چکیده

رفتارهای پرخطر و بزهکارانه در میان نوجوانان، علاوه بر پیامدهای فردی و اجتماعی، از منظر حقوقی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا این گروه سنی در مرحله گذار به مسئولیت‌پذیری کیفری قرار دارد. هدف این پژوهش، بررسی عوامل مؤثر بر بروز بزهکاری در نوجوانان با تمرکز بر ابعاد حقوقی و سیاست‌های جنایی حمایتی است. روش تحقیق به صورت مرور توصیفی-تحلیلی مبتنی بر قوانین مرتبط از جمله قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹) و اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک انجام شد. یافته‌ها نشان داد که نارسایی در تحقق عدالت ترمیمی، فقدان برنامه‌های اصلاحی در محیط‌های آموزشی، ضعف نظارت خانواده، شرایط نابرابر اقتصادی و تأثیر گروه همسالان نقش بنیادین در شکل‌گیری بزهکاری نوجوانان دارد. همچنین تحلیل قوانین نشان داد که نظام حقوقی ایران رویکرد حمایتی - تربیتی را نسبت به نوجوانان بزهکار ترجیح داده و مجازات را تنها در موارد ضروری اعمال می‌کند. بر این اساس، تأکید بر سیاست جنایی پیشگیرانه، گسترش مراکز مشاوره و مداخله زودهنگام، و تقویت نقش قاضی اطفال و مددکاران اجتماعی از راهکارهای اصلی کاهش بزهکاری نوجوانان محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: نوجوانان، بزهکاری، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، قانون مجازات اسلامی، سیاست جنایی، عدالت ترمیمی، پیشگیری حقوقی.

^۱ نویسنده مسئول: domazkhalifeh@gmail.com

مقدمه

نوجوانی مرحله‌ای حساس و تأثیرگذار در رشد شخصیت انسان است؛ دوره‌ای که فرد در گذار از وابستگی کودکی به استقلال نسبی بزرگسالی، با چالش‌های هیجانی، شناختی و اجتماعی روبه‌رو می‌شود و این امر می‌تواند او را نسبت به رفتارهای پرخطر و بزهکارانه آسیب‌پذیر سازد. از منظر حقوقی، اهمیت این دوره دوچندان است؛ زیرا نوجوان هنوز به مرحله مسئولیت کیفری کامل نرسیده اما قادر به ارتکاب رفتارهایی است که قانون آن‌ها را جرم می‌شناسد. رفتارهای پرخطر و بزهکارانه نوجوانان همچون خشونت، سرقت، تخریب اموال عمومی، مصرف مواد و فرار از خانه، علاوه بر پیامدهای فردی و روانی، پیامدهای حقوقی و اجتماعی گسترده‌ای نیز ایجاد می‌کنند و دستگاه قضایی را با ضرورت اتخاذ سیاست جنایی افتراقی مواجه می‌سازند. پرسش اصلی این پژوهش آن است که چه عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی زمینه‌ساز بروز رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان هستند و نظام حقوقی چگونه باید به این رفتارها پاسخ دهد؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد که عواملی مانند سبک‌های تربیتی سهل‌گیرانه یا سخت‌گیرانه، نبود نظارت والدین، فشار همسالان، مشکلات مدرسه و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، بیشترین نقش را در شکل‌گیری بزهکاری نوجوانان دارند. با این حال، سیاست‌های کیفری مدرن و قوانین ایران - از جمله قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹) - به جای تمرکز بر مجازات، بر اصلاح، بازپروری، حمایت و عدالت ترمیمی تأکید دارند و بر ضرورت مداخله زودهنگام و نقش کلیدی نهادهایی مانند قاضی اطفال، مددکار اجتماعی، خانواده و مدرسه تأکید می‌کنند.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های داخلی در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که موضوع بزهکاری و رفتارهای پرخطر نوجوانان از منظر حقوقی، بیش از پیش مورد توجه نظام سیاست‌گذاری و جامعه علمی قرار گرفته است. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹) نقطه عطفی در نگاه حقوقی به این مسئله به شمار می‌رود؛ زیرا این قانون، بر خلاف رویکرد کیفری سنتی، تأکید خود را بر پیشگیری، مداخله زودهنگام و حمایت اجتماعی گذاشته است. بر همین اساس، بسیاری از پژوهش‌ها به بررسی کارکرد و اثرگذاری این قانون پرداخته‌اند. به‌طور مثال، محمدی (۱۴۰۱) در تحلیلی حقوقی بر این قانون بیان می‌کند که نظام حقوقی ایران در مواجهه با نوجوان بزهکار، اصل را بر اصلاح، بازپروری و مسئولیت‌پذیری اجتماعی قرار داده و مجازات صرف را تنها در موارد ضروری تجویز کرده است. وی نتیجه می‌گیرد که رویکرد «عدالت ترمیمی» که بر جبران خسارت، سازش، میانجی‌گری و اصلاح روابط اجتماعی استوار است، نسبت به رویکرد کیفری تنبیهی، در کاهش تکرار جرم مؤثرتر است.

در حوزه دادرسی، نعمتی و احمدی (۱۴۰۲) با بررسی عملکرد شعب دادرسی و دادگاه ویژه اطفال نشان می‌دهند که حضور قاضی متخصص در امور اطفال، همکاری مددکاران اجتماعی و ارجاع پرونده‌ها به مراکز مشاوره و میانجی‌گری، نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش انگ‌زدایی و بازگشت

نوجوان به مسیر سالم اجتماعی دارد. این پژوهش تأکید می‌کند که هرچه فرآیند دادرسی دوستانه‌تر، غیرتحقیرآمیزتر و مبتنی بر گفت‌وگو باشد، کارآمدی اصلاح و کاهش بزهکاری افزایش می‌یابد.

از سوی دیگر، پژوهش کاظمی (۱۳۹۸) نشان می‌دهد که ضعف در اجرای سیاست‌های پیشگیری اجتماعی، کمبود برنامه‌های مهارت‌آموزی در مدارس، و نبود سازوکار مؤثر برای حمایت از خانواده‌های آسیب‌پذیر، موجب افزایش احتمال درگیری نوجوانان با رفتارهای مجرمانه می‌شود. وی نتیجه می‌گیرد که پیشگیری حقوقی بدون حمایت اجتماعی و توانمندسازی محیط‌های تربیتی اثربخش نخواهد بود. همچنین، جهانگیری و صادقی (۱۴۰۰) در پژوهشی تطبیقی میان «قانون مجازات اسلامی» و «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان» بیان می‌کنند که سیاست کیفری ایران در سال‌های اخیر به سمت کاهش کیفرهای سالب آزادی و جایگزینی آن با اقدامات تربیتی و نظارت مراقبتی حرکت کرده است که این امر با سیاست‌های بین‌المللی حمایت از نوجوانان (به‌ویژه کنوانسیون حقوق کودک) همخوان است.

بسیاری از پژوهش‌های گذشته، بزهکاری نوجوانان را عمدتاً از منظر جامعه‌شناختی یا تربیتی بررسی کرده‌اند و کمتر به این نکته توجه کرده‌اند که نظام حقوقی ایران در دهه اخیر از رویکرد کیفری مبتنی بر تنبیه فاصله گرفته و به سمت الگوی اصلاح‌مدار، بازپرورانه و عدالت ترمیمی حرکت کرده است. این پژوهش با تلفیق ابعاد حقوقی (مسئولیت کیفری، دادرسی ویژه اطفال، مجازات‌های جایگزین) با عوامل خانوادگی و اجتماعی مؤثر بر رفتار نوجوان، رویکردی چندبعدی ارائه می‌دهد که می‌تواند هم برای سیاست‌گذاران جنایی و هم برای متخصصان حوزه‌های روانی و تربیتی کاربرد داشته باشد. بنابراین، نوآوری اصلی پژوهش در ترکیب تحلیل حقوقی با مدل‌های پیشگیری اجتماعی و مدرسه‌محور و ارائه راهکارهایی است که نه صرفاً در سطح نظری، بلکه در چارچوب قوانین موجود و قابلیت اجرا در نظام قضایی ایران قابل تحقق هستند.

۱. مبانی نظری و چارچوب مفهومی

۱-۱. مفهوم نوجوانی

نوجوانی مرحله‌ای انتقالی میان کودکی و بزرگسالی است که در آن، رشد زیستی، روانی و اجتماعی فرد دگرگون می‌شود و هویت فردی و اجتماعی شکل می‌گیرد (جعفری و همکاران، ۱۴۰۰). در این دوره، نوجوان به دنبال استقلال‌طلبی بوده و نسبت به فشار همسالان حساسیت بیشتری دارد. همچنین از دیدگاه روان‌شناسی رشد، نوجوانی دوره‌ای است که هیجانات شدید و احساسات متناقض در کنار نیاز به تأیید اجتماعی افزایش می‌یابد (ستوده، ۱۳۹۸). در نگاه جامعه‌شناختی، نوجوانی مرحله‌ای است که فرد تلاش می‌کند جایگاه خود را در ساختار اجتماعی و گروه‌های مرجع پیدا کند و این فرایند ممکن است با تعارضات رفتاری همراه باشد (مرادی، ۱۳۹۹).

۲-۱. مفهوم رفتارهای پرخطر

رفتارهای پرخطر مجموعه رفتارهایی هستند که می‌توانند سلامت جسمی، روانی، اجتماعی یا آینده فردی نوجوان را تهدید کنند؛ مانند مصرف مواد، رانندگی خطرناک، خشونت‌ورزی، یا روابط اجتماعی ناسالم (ستوده و موسوی، ۱۳۹۸). از نظر آسیب‌شناسی اجتماعی، رفتار پرخطر مرحله‌ای اولیه است که اگر کنترل نشود، می‌تواند به بزهکاری و درگیری با نظام کیفری منجر شود (حیدری و صادقی، ۱۳۹۷). در علوم تربیتی، رفتارهای پرخطر نتیجه کمبود مهارت‌های خودکنترلی، ضعف حل مسئله و ناکارآمدی حمایت‌های خانوادگی و مدرسه دانسته می‌شود (جعفری و همکاران، ۱۴۰۰).

۳-۱. مفهوم بزهکاری نوجوانان

بزهکاری نوجوانان به انجام اعمالی گفته می‌شود که قانون آنها را جرم می‌شمارد و در صورت ارتکاب، نوجوان تحت پیگرد یا اقدامات حمایتی قرار می‌گیرد (صفایی، ۱۴۰۰). از منظر حقوقی، بزهکاری نوجوانان با بزهکاری بزرگسالان متفاوت است، زیرا نوجوان در مرحله رشد است و مسئولیت کیفری او نسبی و متناسب با میزان بلوغ عقلی و شناختی ارزیابی می‌شود (محمدی، ۱۴۰۱).

در سیاست جنایی نوین، بزهکاری نوجوانان پدیده‌ای چندعاملی دانسته می‌شود و هدف اصلی قانون، اصلاح و بازپروری است نه کیفر و تنبیه؛ این رویکرد در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹) و در نظام عدالت ترمیمی در ایران و جهان منعکس شده است (جهانگیری و صادقی، ۱۴۰۰).

۲. چارچوب حقوقی و سیاست جنایی ایران در قبال نوجوانان

نظام حقوقی ایران در مواجهه با نوجوانان بزهکار، برخلاف گذشته که رویکردی عمدتاً تنبیهی و مبتنی بر مجازات حبس داشت، در دهه‌های اخیر به سمت سیاست جنایی حمایتی، تربیتی و اصلاح‌مدار حرکت کرده است. این تحول به ویژه پس از تصویب قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) و به دنبال آن قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹) شکل گرفته است، که هدف آن‌ها ایجاد تعادلی میان حفظ نظم عمومی و فراهم‌سازی زمینه‌های رشد و بازپروری نوجوان بزهکار است (محمدی، ۱۴۰۱). در این چارچوب، تاکید بر پیشگیری، مداخله زودهنگام، و حمایت اجتماعی از نوجوانان آسیب‌پذیر، جایگزین رویه صرفاً کیفری و تنبیهی شده است.

از منظر قانون اساسی، نوجوانان به‌عنوان افراد در حال رشد، دارای کرامت انسانی و نیازمند حمایت ویژه تلقی می‌شوند. اصل ۲۱ قانون اساسی دولت را موظف به حمایت از خانواده و فراهم‌سازی زمینه‌های رشد سالم نسل آینده می‌کند. این اصل، مبنای حقوقی قوی برای حمایت نظام‌مند از نوجوانان در معرض خطر یا بزهکاری فراهم می‌آورد و نشان‌دهنده توجه قانون‌گذار به پیشگیری اجتماعی و تربیتی است (موسوی، ۱۳۹۸).

در قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، مسئولیت کیفری نوجوانان بر اساس سن رشد کیفری و توانایی تمیز^۳ تفکیک شده است. این قانون ضمن تعیین محدوده مسئولیت کیفری، به مجازات‌های جایگزین حبس مانند توبیخ، اخطار، الزام به شرکت در دوره‌های آموزشی، ارائه خدمات عمومی رایگان و تحویل به والدین یا مؤسسات تربیتی تأکید دارد (صفایی، ۱۴۰۰). چنین مقرراتی نشان‌دهنده آن است که هدف قانون‌گذار، نه تنبیه صرف بلکه بازپروری، اصلاح رفتار و بازگشت نوجوان به جامعه است.

یکی از ابعاد کلیدی سیاست جنایی نوین، عدالت ترمیمی است. عدالت ترمیمی بر جبران خسارت بزه‌دیده، میانجی‌گری، حل تعارضات اجتماعی و بازگرداندن نوجوان به مسیر سالم اجتماعی تمرکز دارد و تلاش می‌کند آثار جرم با کمترین آسیب اجتماعی ترمیم شود. مطابق ماده ۴ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹)، مأموران انتظامی، قضات و مددکاران اجتماعی موظفاند به محض مشاهده خطر یا آسیب‌پذیری نوجوان، مداخله حمایتی و پیشگیرانه زودهنگام انجام دهند. این ماده نشان می‌دهد که قانون‌گذار به جای برخورد کیفری سختگیرانه، بر پیشگیری و اصلاح رفتاری تأکید دارد (جهانگیری و صادقی، ۱۴۰۰).

نقش قاضی اطفال نیز در این چارچوب بسیار حیاتی است. قاضی اطفال، با استفاده از اطلاعات مددکار اجتماعی، روان‌شناس و سایر کارشناسان، می‌تواند تصمیم‌های متناسب با شرایط شخصیتی و خانوادگی نوجوان اتخاذ کند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که حضور تیم تخصصی دادرسی شامل مددکار اجتماعی و روان‌شناس، موجب کاهش معنی‌دار بازگشت نوجوانان به بزهکاری و افزایش اثربخشی اقدامات اصلاحی و حمایتی می‌شود (نعمتی و احمدی، ۱۴۰۲). این روند نشان‌دهنده تطبیق نظام قضایی ایران با کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) است که نوجوان را فردی آسیب‌پذیر و در حال رشد می‌داند و نه یک مجرم بالغ.

تحلیل حقوقی و کاربرد عملی این قوانین نشان می‌دهد که راهکارهای تنبیهی صرف نمی‌تواند اثرگذاری بلندمدت داشته باشد و برخوردهای اصلاحی، آموزشی و حمایتی، هم از نظر قانونی و هم از منظر جامعه‌شناختی، نتایج مؤثرتری در کاهش تکرار جرم دارند. به‌ویژه در مواردی که نوجوان در معرض فشار همسالان، ضعف مهارت‌های اجتماعی، مشکلات خانوادگی یا محرومیت اقتصادی قرار دارد، سیاست حمایتی و بازپرورانه می‌تواند زمینه اصلاح را فراهم کند (محمدی، ۱۴۰۱؛ جهانگیری و صادقی، ۱۴۰۰).

در مجموع، چارچوب حقوقی ایران بر این اصل استوار است که نوجوان بزهکار، یک مجرم بالغ نیست، بلکه فردی در حال رشد و اصلاح‌پذیر است. بنابراین، سیاست جنایی در قبال نوجوان باید آموزشی، مشاوره‌محور، ترمیمی و بازپرورانه باشد و ترکیبی از حمایت‌های قانونی، مداخلات تربیتی و اجتماعی را در بر گیرد تا علاوه بر اصلاح نوجوان، امنیت اجتماعی و پیشگیری از بزهکاری‌های بعدی نیز تأمین شود.

³ discernment

۳. عوامل مؤثر بر بروز رفتارهای پرخطر و بزهکارانه در نوجوانان

رفتارهای پرخطر و بزهکارانه در نوجوانان پدیده‌ای چندبعدی است که تحت تأثیر عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی شکل می‌گیرد. ویژگی‌های شخصیتی مانند ضعف خودکنترلی، هیجانات ناپخته و پرخاشگری، همراه با سبک‌های فرزندپروری ناکارآمد، فقدان نظارت والدین و فشار همسالان، زمینه‌ساز گرایش به رفتارهای پرخطر می‌شوند (ستوده و موسوی، ۱۳۹۸؛ جعفری و همکاران، ۱۴۰۰؛ مرادی، ۱۳۹۹). علاوه بر این، کمبود فرصت‌های رشد سالم، نابرابری‌های اقتصادی و خلأهای حقوقی، ضعف در اجرای قوانین حمایتی و ناکافی بودن مداخلات اصلاحی، احتمال بزهکاری را افزایش می‌دهند (حیدری و صادقی، ۱۳۹۷؛ نعمتی و احمدی، ۱۴۰۲). بنابراین، شناخت دقیق این عوامل و تحلیل حقوقی آنها برای طراحی سیاست‌های پیشگیری و بازپروری نوجوانان اهمیت ویژه‌ای دارد.

۳-۱. عوامل فردی

ویژگی‌های شخصیتی و روانی نوجوانان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر بروز رفتارهای پرخطر و بزهکارانه است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند نوجوانانی که مهارت‌های خودکنترلی ضعیف، هیجانات ناپخته و گرایش به هیجان‌طلبی بالا دارند، بیشتر در معرض گرایش به رفتارهای پرخطر هستند (ستوده و موسوی، ۱۳۹۸). از منظر جرم‌شناسی، این ویژگی‌ها باعث می‌شوند نوجوانان در تصمیم‌گیری‌های آنی و هیجانی، به ارزیابی پیامدهای قانونی و اجتماعی عمل خود کمتر توجه کنند و در نتیجه احتمال ارتکاب بزه افزایش یابد (جعفری و همکاران، ۱۴۰۰). اختلالات روانی و مشکلات رفتاری مانند پرخاشگری، کمبود توجه و تمرکز نیز به‌عنوان زمینه‌های فردی ارتکاب جرم شناخته می‌شوند. نوجوانانی که با چنین اختلالاتی مواجه هستند، نه تنها توانایی مدیریت هیجانات و کنترل رفتار خود را کاهش می‌دهند، بلکه ممکن است به درگیری‌های اجتماعی و نقض قوانین دچار شوند (جعفری و همکاران، ۱۴۰۰). از منظر حقوقی، شناخت این ویژگی‌ها برای قاضی اطفال، مددکار اجتماعی و روان‌شناس اهمیت دارد؛ زیرا تعیین سطح مسئولیت کیفری و نوع مداخله حمایتی و اصلاحی نوجوان بر اساس وضعیت روانی و رشدی او انجام می‌شود.

در قوانین ایران، به ویژه قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹) و قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، نوجوان به‌عنوان فردی در حال رشد دیده می‌شود که نیازمند حمایت، آموزش مهارت‌های زندگی و مداخلات اصلاحی است. این نگاه حقوقی بر اساس اصول عدالت ترمیمی، بر اصلاح رفتار و بازگرداندن نوجوان به مسیر سالم اجتماعی تأکید دارد، نه صرفاً مجازات کیفری (جهانگیری و صادقی، ۱۴۰۰). به‌عنوان مثال، مداخلات حمایتی و آموزشی، دوره‌های مهارت‌آموزی و خدمات مشاوره‌ای، ابزاری حقوقی برای کاهش رفتارهای پرخطر نوجوانان در نظر گرفته شده‌اند.

علاوه بر این، تحلیل حقوقی عوامل فردی نشان می‌دهد که مسئولیت کیفری محدود و مشروط نوجوانان با توجه به سن و سطح بلوغ عقلانی و هیجانی آنان تعیین می‌شود. بر اساس مواد ۸۸ و

۸۹ قانون مجازات اسلامی، نوجوانان مشمول مجازات جایگزین، خدمات عمومی یا تحویل به مؤسسات تربیتی می‌شوند. این تدابیر نشان‌دهنده توجه قانونگذار به ویژگی‌های فردی نوجوانان و ضرورت مداخلات اصلاحی و حمایتی به جای مجازات صرف است (محمدی، ۱۴۰۱).

۲-۳. عوامل خانوادگی

خانواده به عنوان نخستین و مهم‌ترین محیط اجتماعی نوجوان، می‌تواند نقش پیشگیرانه یا محرک در بروز رفتارهای پرخطر و بزهکارانه داشته باشد. سبک‌های فرزندپروری سخت‌گیرانه یا بی‌توجه، فقدان نظارت والدین، تعارضات خانوادگی و سوءرفتار والدین، همگی با افزایش احتمال گرایش نوجوان به رفتارهای پرخطر مرتبط هستند (جعفری و همکاران، ۱۴۰۰).

تحلیل حقوقی این عوامل نشان می‌دهد که قانونگذار با تصویب ماده ۴ و ۵ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، والدین را موظف به نظارت و هدایت صحیح نوجوانان کرده است و کم‌کاری والدین می‌تواند موجب مسئولیت قانونی در برابر رفتارهای بزهکارانه نوجوان شود. همچنین، حمایت عاطفی، انسجام خانوادگی و روابط مثبت میان والدین و نوجوان، نقش حفاظتی دارد و می‌تواند از ارتکاب جرم پیشگیری کند (مرادی، ۱۳۹۹).

۳-۳. عوامل اجتماعی و محیطی

از جمله مهم‌ترین عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتارهای پرخطر و بزهکارانه نوجوانان، گروه همسالان، مدرسه و محیط محله است. نوجوانان به شدت تحت تأثیر دوستان و همسالان خود قرار دارند و فشار گروه همسالان، دسترسی به دوستان پرخطر و حضور در محیط‌های اجتماعی جرم‌خیز، احتمال ارتکاب جرم را افزایش می‌دهد (حیدری و صادقی، ۱۳۹۷).

علاوه بر این، افت تحصیلی، ضعف در نظارت مدرسه و کمبود فرصت‌های سالم رشد اجتماعی، زمینه‌ساز رفتارهای پرخطر هستند و می‌توانند ظرفیت تصمیم‌گیری نوجوانان را کاهش دهند. از منظر حقوقی، نبود نهادهای حمایتی فعال در مدارس و محلات و عدم دسترسی نوجوان به برنامه‌های آموزشی و اصلاحی، خلأ قانونی ایجاد می‌کند و اثر بازپروری پیش‌بینی‌شده توسط قانونگذار را محدود می‌سازد (محمدی، ۱۴۰۱). بنابراین، ایجاد نهادهای حمایتگر اجتماعی و آموزشی نه تنها بخشی از سیاست جنایی اصلاح‌محور به شمار می‌آید، بلکه نقش پیشگیرانه و بازپرورانه آن، فرصت بازگشت نوجوان به مسیر سالم اجتماعی را فراهم می‌آورد. به این ترتیب، مداخلات حقوقی و حمایتی همسو با سیاست‌های پیشگیری اجتماعی، از طریق تقویت محیط‌های حمایتی مدرسه و محله، می‌تواند احتمال بروز رفتارهای پرخطر را کاهش داده و تکرار بزهکاری نوجوانان را محدود سازد.

۴-۳. عوامل اقتصادی

فقر، نابرابری و کمبود منابع اقتصادی، به‌ویژه در خانواده‌ها و محله‌های محروم، زمینه‌ساز افزایش رفتارهای پرخطر و بزهکاری نوجوانان است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که سکونت در محله‌های دارای نرخ بالای جرم و فقر، احتمال درگیری نوجوانان با رفتارهای پرخطر را افزایش می‌دهد (مرادی، ۱۳۹۹).

تحلیل حقوقی این عوامل نشان می‌دهد که قوانین حمایتی ایران، از جمله قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹)، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با هدف کاهش اثرات فقر و محرومیت اقتصادی بر نوجوانان تدوین شده‌اند. فقدان دسترسی به امکانات آموزشی، فعالیت‌های سالم و حمایت‌های حقوقی، موجب تقویت چرخه بزهکاری می‌شود و ضرورت اجرای سیاست‌های عدالت اجتماعی و حمایتی را برجسته می‌کند.

۵-۳. عوامل حقوقی و سیاست جنایی

نظام حقوقی و سیاست جنایی نقش دوگانه‌ای در شکل‌دهی رفتارهای بزهکارانه دارد: هم می‌تواند به کاهش جرم کمک کند و هم در صورت خلأ قانونی یا ضعف اجرایی، آن را تشدید نماید. خلأها در اجرای قوانین حمایتی، ضعف مراکز مشاوره و پیشگیری، آموزش ناکافی قضات و کارکنان دادسراهای ویژه اطفال، و عدم بهره‌گیری از عدالت ترمیمی از جمله عواملی هستند که می‌توانند بزهکاری را افزایش دهند (نعمتی و احمدی، ۱۴۰۲؛ جهانگیری و صادقی، ۱۴۰۰).

مطابق قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹)، مداخلات حمایتی و اصلاحی باید به‌موقع انجام شود تا نوجوان از چرخه بزهکاری خارج شود؛ فقدان اجرای کامل این مقررات موجب افزایش رفتارهای پرخطر و گسست حمایتی از نوجوان می‌شود. از منظر سیاست جنایی، اقدامات اصلاحی و حمایتی، شامل مشاوره، میانجی‌گری، آموزش مهارت‌های زندگی و حمایت قانونی، بیشترین اثر را در کاهش تکرار جرم دارند و مؤید رویکرد اصلاح‌محور و بازپرورانه در قوانین ایران است (جهانگیری و صادقی، ۱۴۰۰).

بررسی عوامل مختلف نشان می‌دهد که رفتارهای پرخطر و بزهکارانه نوجوانان پدیده‌ای چندبعدی و پیچیده است و هیچ عامل منفردی نمی‌تواند آن را به‌طور کامل توضیح دهد. تحلیل حقوقی این مسئله نشان می‌دهد که سیاست‌های پیشگیرانه و بازپرورانه، زمانی موفق هستند که همزمان به ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی توجه کنند. بنابراین، ترکیب مداخلات آموزشی، حمایت اجتماعی، تقویت خانواده، پیشگیری اقتصادی و استفاده از عدالت ترمیمی بهترین رویکرد برای کاهش بزهکاری نوجوانان محسوب می‌شود.

نتیجه‌گیری

رفتارهای پرخطر و بزهکارانه در نوجوانان پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی است که نتیجه تعامل عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی می‌باشد. نوجوانان به دلیل ویژگی‌های شخصیتی و روانی خاص خود، از جمله هیجانات ناپخته، گرایش به هیجان‌طلبی و ضعف مهارت‌های خودکنترلی، بیش از بزرگسالان در معرض تصمیم‌گیری‌های مخاطره‌آمیز و ارتکاب رفتارهای پرخطر قرار دارند. علاوه بر این، خانواده به‌عنوان نخستین و مهم‌ترین محیط اجتماعی، نقش پیشگیرانه یا محرک در رفتار نوجوان دارد و سبک‌های فرزندپروری ناکارآمد، فقدان نظارت والدین و تعارضات خانوادگی می‌تواند زمینه بروز رفتارهای بزهکارانه را فراهم کند.

عوامل اجتماعی و محیطی نیز تأثیر قابل توجهی دارند. گروه همسالان، کیفیت محیط مدرسه و محله و دسترسی به فرصت‌های سالم رشد، نقش مهمی در هدایت رفتار نوجوانان ایفا می‌کنند. فشار همسالان، حضور در محیط‌های اجتماعی پرخطر، افت تحصیلی و فقدان نهادهای حمایتی، احتمال گرایش به رفتارهای پرخطر را افزایش می‌دهد. از دیدگاه حقوقی، نبود حمایت‌های آموزشی، مشاوره‌ای و اصلاحی می‌تواند اثر پیشگیرانه قوانین را محدود کند و نوجوان را در چرخه بزهکاری گرفتار سازد.

سیاست جنایی اصلاح‌محور و بازپرورانه، با تمرکز بر حمایت، آموزش مهارت‌های زندگی، بازپروری اجتماعی و عدالت ترمیمی، چارچوبی مؤثر برای کاهش رفتارهای پرخطر و هدایت نوجوانان به مسیر سالم زندگی ارائه می‌دهد. این رویکرد، نوجوان را به‌عنوان فردی در حال رشد می‌بیند که نیازمند مداخلات حمایتی و اصلاحی است و هدف آن بازگرداندن او به جامعه سالم و کاهش تکرار جرم می‌باشد.

به طور کلی، کاهش رفتارهای پرخطر و بزهکارانه نوجوانان نیازمند رویکردی جامع و هماهنگ است که به تمام ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی توجه داشته باشد. اجرای برنامه‌های پیشگیری، حمایت و بازپروری به‌صورت یکپارچه، همراه با تقویت محیط‌های خانوادگی و اجتماعی سالم، می‌تواند احتمال گرایش نوجوانان به رفتارهای پرخطر را کاهش داده و مسیر رشد و توسعه سالم آنها را تضمین کند.

فهرست منابع

۱. جعفری، م، احمدی، ز. و موسوی، ر. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر سبک‌های فرزندپروری بر بزهکاری نوجوانان. مجله روان‌شناسی اجتماعی، ۱۵(۳).
۲. ستوده، ف. و موسوی، م. (۱۳۹۸). رفتارهای پرخطر در نوجوانان: تحلیل روان‌شناختی و اجتماعی. تهران: نشر پژوهشگاه علوم اجتماعی.
۳. مرادی، ع. (۱۳۹۹). نابرابری اقتصادی و تأثیر آن بر بزهکاری نوجوانان. فصلنامه مطالعات اجتماعی، ۱۲(۱).
۴. حیدری، ن. و صادقی، م. (۱۳۹۷). فشار همسالان و رفتارهای پرخطر نوجوانان. مجله جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، ۹(۲).
۵. محمدی، ح. (۱۴۰۱). تحلیل سیاست جنایی ایران در قبال بزهکاری نوجوانان. تهران: نشر میزان.
۶. جهانگیری، ف. و صادقی، م. (۱۴۰۰). عدالت ترمیمی در دادرسی اطفال. فصلنامه سیاست جنایی، ۱۲(۴).
۷. نعمتی، س. و احمدی، ز. (۱۴۰۲). نقش مددکار اجتماعی در پیشگیری از تکرار بزهکاری نوجوانان. مجله رفاه اجتماعی، ۱۸(۱).
۸. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، مصوب ۱۳۹۹، شورای نگهبان، تهران.
۹. قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲، تهران: دفتر نشر قانون.
۱۰. صفایی، م. (۱۴۰۰). بزهکاری نوجوانان و مسئولیت کیفری در حقوق ایران. تهران: نشر عدالت.
۱۱. حیدری، ر. و صادقی، م. (۱۳۹۷). نظریه‌های جرم‌شناسی و بزهکاری نوجوانان. تهران: نشر دانشگاهی.